

بختی درباره رسم الخط فارسی

ب- بین «ه» غیر ملفوظ و «ای» نکره و خطاب و نسبت و همچنین بین «ه» غیر ملفوظ و ام و اش و ات و است و ایم و اند همزه ملین حائل می‌گردد که بصورت «اه» نوشته می‌شود مانند: قهوه‌ای، خانه‌ای، بیگانه‌ای، بیگانه‌اند، بیگانه است، خانهاش، آشیانه‌ات، من در اطاق شماره سهام خانه ایست بزرگ.

ج- بین ضمه و اجزاء یاد شده نیز همزه ملین حائل می‌گردد که یا به صورت «ه» نوشته می‌شود مانند: توئی و دوئی نه به صورت توای و دوای و یا به صورت «اه» نوشته می‌شود مانند من دوست توام، این مال تو است، اینها برادر تو اند، ما دوست تو ایم. اگر مصوت است حذف شود مجموعه را به این صورت مینویسیم: این برادر تست.

د- بین «ه» غیر ملفوظ و ام (om) صامت «ی» یا «واو» مشدد حائل می‌شود مانند سیم و سوم. در قدیم این حائل بدون تشدید هم بوده است و همچنین در قدیم گاهی در این موارد همزه ملین حائل می‌گشته و چنین نوشته می‌شده است: سهام (به معنی سوم).

ه- در کلمه «سی» بین مصوت «ای» و ضمه پسوند «ام» صامت «ی» یا وا چگونه (allophone) آن ایجاد می‌شود (و ضمناً مصوت بلند «ای» بدل به مصوت کوتاه می‌گردد). بنابر این آن را باید سیم نوشت نه سی‌ام. زیرا همزه ملینه بوجود نمی‌آید که آن را بصورت اخیر بنویسیم.

و- بین ضمه و پسوند عددی «ام» نیز صامت یاء یا واو مشدد حائل می‌شود مانند دو یا دویم که در قدیم بدون تشدید هم می‌آمده است.

ز- بین مصوتهای بلند «اه»، «او» و «ای» از طرفی «وام» و «است» و «اند» و «اش» و «ات» از طرف دیگر یائی حائل می‌گردد که چنین نوشته می‌شود: دانشجویم، دانایم، دانشجویست، بازویت، دانشجویند، دانایند، زانویش، باقیم، باقیست، باقیند، کیم، چیم، کاریم.

یادآوری ۱- در این موارد یائی که بین دو «ای» حائل می‌گردد نوشته نمی‌شود به عبارت دیگر صامت «یاء» (y) و مصوت «ای» (i) هر دو با یک «ی»

نوشته می‌شوند مانند آنچه دیدیم در حالی که تلفظ «آنها چنین است: کاریم ، با قییم ، باقیست ، کیمیم ، چیمیم . که البته فعلاً باید مانند موارد مشابه آن (بیا ، بیاور ، سیاست و خیانت به جای بیبا ، بیباور ، سیاست و خیانت) از نوشتن «دو» خودداری کرد هر چند که در تلفظ دو «ی» وجود داشته باشد. اما بنظر نگارنده اگر بتوان بتدریج تا این حد در خط فارسی اصلاح بعمل آورد و مکتوب را مطابق ملفوظ کرد ضرری ندارد .

یاد آوری ۲ - اگر مصوت « است » در این موارد تلفظ نکرده عبارت بدون «ی» و « ا » و به این صورت نوشته می‌شود: نیکوست وداناست بنا بر این نوشتن الف در این موارد درست نیست .

ح- بین «ا»، «او»، «ای»، از یک طرف و «ایم»، «اید»، «این»، «اینه» و «او» از طرف دیگر همزه ملین ایجاد می‌گردد و چنین نوشته می‌شود: دانشجوئید ، دانشجوئیم ، دانائی ، دانائیم ، پائین ، روئین ، روئینه ، زانو . بنابراین نوشتن دانایی ، دانشجوئیم ، پایین ، روئین درست نیست. پائیز ، آئین ، پائیدن ، روئیدن ، پوئیدن ، خائیدن و مانند آنها نیز از این قاعده پیروی می‌کنند .

در این موارد کلمات مختموم به مصوت « ای » را باید چنین نوشت : طوطئی ، بازیئی ، بازاریئی نه بصورت طوطیی ، بازییی ، بازارییی یا طوطی ای ، بازی ای ، بازاری ای . زیرا اولاً صوت حائل همزه ملینه است نه « ی » ثانیاً اینها را در قدیم چنین می‌نوشته‌اند . ثالثاً در مردم عادت می‌کند که مغایر آن باشد تشکیل نشده است .

مثو (صدای گربه) را به همان صورتی که نوشته شده است می‌نویسیم . ط - همزه آغاز کلمه نیز در ترکیب پس از مصوت « ای » تبدیل به همزه ملینه می‌گردد ولی با همان صورت نخستین خود نوشته می‌شود و تغییری در آن صورت نمی‌گیرد مانند : می‌آورد و می‌آورد ، می‌آید و می‌آید ، بی ادب ، بی آرام .

ی - در ماضی نقلی اگر مصوت آخر اسم مفعول تلفظ نکرده «ه» غیر

ملفوظ نیز حذف می‌شود و عبارت را چنین می‌نویسند: رفتسم و گفتم . بین «ا»، «او» و «ای» از یک طرف و «ان» جمع از طرف دیگر یائی حائل می‌شود که در مورد «ا» و «او» در خط ظاهر می‌گردد مانند دانایان و سخنگویان ولی در مورد «ای» در نوشتن ظاهر نمی‌شود مانند ایرانیان و یونانیان در حالی که چنین تلفظ می‌شود: ایرانیان و یونانیان .

پسوندهائی که با صامت شروع می‌شوند خود بردسته‌اند:
 ۱ - کوتاه ۲ - بلند . کوتاه مانند : ها ، دن ، تن ، چه ، تر ، گر ، وش ، ور که غالباً پیوسته نوشته می‌شوند مانند: روشنکر ، دانشور ، مهوش ، باغچه .
 « تر » را در بسیاری از موارد جدا می‌نویسند مانند بی تربیت تر ، نارس تر ، نادان تر .

یادآوری. «ها» ی جمع را باید به کلمه پیش از خود چسباند مانند کتابها ، دلها و گلهامگر بمداز هاء غیر ملفوظ بیاید مانند: دسته‌ها ، گله‌ها ، وغیره و جدا نوشتن آن از قاعده‌های من در آوردی « دستور دانان » و « خط آفرینان » زمان ماست .

پسوندهای بلند یاد شده عبارتند از : گاه ، گار ، ترین ، سان ، وار ، گون ، مند ، بان ، ناک و گین (۱) . اینها بیشتر از پسوندهای دسته اول جدا نوشته می‌شوند مانند شب فام و مرغ سان ولی این پسوندها نیز غالباً به کلمه پیش از خود می‌چسبند .
 نوشتن همزه عربی

۱ همزه ساکن پس از فتحه در وسط یا آخر کلمه روی کرسی الف نوشته می‌شود مانند : رأس ، رأفت ، مستأجر ، تأخیر ، خلا ، ملا ، منشا ، مأخذ ، مأمن .

۲ - همزه وسط کلمه اگر بین فتحه و مصوت «ا» (الف) قرار گیرد به صورت مد در روی الف نوشته می‌شود مانند : مأخذ ، مال ، مآب ، مآثر ، لآلی ، منشآت ،

۱- مرادما از پسوندهای بلند از نظر تعداد حروف آنهاست نه از لحاظ تلفظشان و گرنه پسوندهائی مانند «گون» ، «سان» و «بان» با آنکه از سه حرف تشکیل شده‌اند از نظر تلفظ معادل پسوندهای کوتاهند .

۳ - همزه وسطیا آخر کلمه پس از ضمه روی کرسی و او نوشته میشود مانند: رؤیت ، لؤلؤ ، مؤمن، رؤسا ، سؤال ، فؤاد ، مؤثر ، مؤلف ، مؤاخذه .

۴ - همزه آخر کلمه بعد از صامتها و مصوت‌های بلند «او» و «ای» پس از آخرین حرف و جدا از آن نوشته می‌شود مانند : سوء ، بطيء ، شیوی ، بط . جز .

۵ - همزه متحرك یا ساکن وسط کلمه در بقیه موارد بنا بر عادت و سنت ایرانیان روی کرسی «ی» نوشته می‌شود مانند توطئه ، مصائب ، ائمه ، رسائل ، کائنات ، خائن ، رؤوس ، مسؤول ، رؤوف ، شئون ، قرائت ، برائت ، جرئت ، مسئله ، هیئت و دنائت .

۶ - همزه «تفؤل» در فارسی روی کرسی الف و به صورت «تفأل» نوشته می‌شود .

یاد آوری - در نوشتن همزه‌های عربی رعایت قواعد کتابت همزه در آن زبان نیز در بعضی از موارد جایز است مانند: جسرأت ، مسأله ، هیأت ، نشأت ، رؤوس ، شؤون ، مسؤول و رؤوف ولی نوشتن اساعت و براءت و دناعت و قراءت به شکلی که دیدیم مناسب نیست .

۷ - همزه کلمات فرنگی و غیر عربی از قبیل لائوس ، نشاندرتال ، سوئز ، اورلئان ، رئالیست ، ایدئالیست ، بوسوئه ، ژوئن ، ماومائو ، کاکائو ، سئول ، زئوس ، منلائوس ، شائول ، سوئد ، نوئل ، بوئنوس آیرس ، رافائل ، تائیس ، اوکرائین ، هلوئیز ، تیغوئید ، پروتئین ، کائئین ، بمبئی ، آلدئید ، ئیدروژن ، الکالوئید ، تئاتر ، بئاتریس ، سئانس ، آندرتئاس ، بالئار ، پنگوئن ، کنئانت را بهتر است به همین صورت که دیدیم نوشت. اصولاً در خط فارسی تمایلی پیدا شده است که همزه‌های وسط را علی‌رغم شیوه نوشتن آن در عربی روی کرسی یاء بنویسند .

۸ - همزه‌های عربی که در فارسی بدل به «ی» شده است باید با «ی» خوانده و نوشته شود مانند : لایق ، تجزیه ، تهیه ، ریه ، رباوریست ولی آنهایی

که چنین نشده‌اند باید همزه خوانده و نوشته شوند مانند : مسائل، فوائده ، زوائد ، زائد، قائل ، مصائب، تخطئه ، تیرئه ، توطئه و خواندن و نوشتن آنها به صورت مسایل ، زاید، قایل وغیره درست نیست .

یاد آوری - از مواردی که همزه و مصوت ماقبل آن در فارسی و عربی تغییر می‌یابد و بدل به «ی» و یا حروف دیگر می‌شود اینهاست :

الف - همزه و مصوت ما قبل آن بدل به مصوت « او » شده است مانند شوم ، مؤنس و تکافؤ (همزه بر روی واو) که شده‌اند : شوم ، مونس و تکافو .
ب - همزه و مصوت ما قبل آن بدل به مصوت « ا » شده است مانند : فال - میرا ، مجزا ، مهیا ، مهنا که شده‌اند فال ، میرا ، مبتدا ، مجزا ، مهیا ، مهنا .

نوشتن اینگونه کلمات با « ی » و به صورت مجزی و مبری درست نیست .
ج - همزه و مصوت ما قبل آن بدل به مصوت « ای » گردیده است مانند قاریء ، ناشیء ، خاطیء ، بادیء ، منشیء مبادیء ، منکیء ، منکیء ، مبتدیء ، ممثلیء ، مبتنیء (همه با همزه بر بالای یاء) تخطؤ که شده‌اند قاری ، ناشی ، بادی ، مبادی ، منشی ، تخطی ، منکی ، مبتدی ، ممثلی ، مبتنی .

د - همزه بدل به صامت و او می‌شود مانند مملوء ، مبدوء ، مروءة نبوءة ، بدء رنشء ، کفء ، جزء ، که شده‌اند : مروت ، نبوت ، مملو . مبدو (با واو مشدد) . بدو ، نشو ، کفو ، جزو .

ه - همزه بدل به صامت « ی » می‌شود مانند : تجزئه ، تهئنه، تهیئه ، بداءة، رئا ، رئاست ، رئه ، تعیئه ، رزیئه ، مشیئه ، بریئه که شده‌اند : تجزیه ، تهنیت ، تهیه ، بدایت ، ریا ریه ، ریاست ، رزیت ، مشیت ، بریت .

چنانکه دیده می‌شود در بسیاری از این کلمات کسره قبل از همزه نیز بدل به مصوت (i) کوتاه گردیده است و تلفظ اینگونه کلمات در فارسی در حقیقت چنین است : تجزییه ، تهنییت ، تعبییه ، رییا ، ریه ، رییاست .

تبدیل کسره عربی و فارسی به «i» کوتاه پیش از صامت «ی» در زبان ما قاعده‌ای عامست و از این قبیلند در این کلمات فارسی و عربی: سیاست، خیانت، صیانت، صیام، اشتیاق، اختیار، بیار، بیاور و دهها نظیر آن که تلفظ میشوند: سیاست، خیانت، صیانت، صیام، اشتیاق، اختیار، بیار، بیاور. ۹ - همزه‌های آخری که پس از الف یا مصوت «ای» و «او» قرار دارند در فارسی گاهی تلفظ نمی‌شوند مانند: صحراء، ابتداء، انتهاء، بریء، جریء، نبیء که شده‌اند: صحرا، ابتداء، انتها، بری، جری، نبی. بعضی از این همزه‌ها بدل به صامت «ی» میشوند مانند: دنیء و ردیء و هنیء که می‌شود دنی و هنی، و هنی با یای مشدد (۱).

صحرا، ابتدا، انتها و نظایر آنها هنگام اضافه شدن یا صفت گرفتن از کلمات فارسی مختوم به «ا» پیروی می‌کنند یعنی پس از الف آنها صامت «ی» افزوده می‌شود مانند صحرای محشر، انتهای خیابان. ۱۰ - همزه آغاز کلمه در عربی و فارسی به صورت «ا» نوشته می‌شود مانند: اختراع، اسطوره، او، افتادن، ایشان، ایستادن. «ایدروژن» را در فارسی برخلاف قاعده بصورت «ایدروژن» می‌نویسند اینگونه همزه‌ها اگر پیش از مصوت «ا» (الف) بیایند با علامت مد (ّ) مشخص می‌شوند مانند، آسان، آمدن، آوردن، آثار، آداب.

نوشتن الف عربی

الف مقصور عربی در آن زبان چه با «ی» نوشته شود و چه با «ا» در فارسی همانطور که تلفظ می‌شود با الف نوشته می‌شود مانند: اعلا، میتلا، مصفا و عسا در حالی که در عربی چنین نوشته می‌شوند: اعلی، میتلی، مصفی، عسا.

یاء مشدد آخر در حقیقت برابر است با مصوت «ی» (i) و صامت «ی» (y) بدون تشدید (مخفف) آخر دو صورت دارد: یکی به صورت صامت «ی» است مانند «ی» در «دوی» و دیگر به شکل مصوت «ای» است مانند آری، تازی، باقی، سیاهی.

اینگونه الفها را در اسمهای خاص عربی مستعمل در فارسی به پیروی از اصل با « د ی » هم می‌توان نوشت مانند : مصطفی ، مرتضی ، موسی ، عیسی ، کبری ، صغری ، یحیی . همچنین است در کلمات : الی ، علی و حتی که در فارسی فراوان بکار می‌روند مانند الی الآن ، علی‌الله ، حتی‌المقدور ، حتی‌الامکان .

اولیتر و اعلیحضرت بهمین صورت که در فارسی رایجند نوشته می‌شوند نه بصورت اولانتر و اعلاحضرت .

اگر اسمهای خاص پایان یافته با الف مقصور یائی مضاف الیه یابسوند و جزء ترکیبی بگیرند که با مصوت آغاز شود با الف نوشته می‌شوند مانند : یحییای برمکی ، عیسی‌المسیح ، احمد مجتبائی ، مرتضائی .

اینگونه کلمات در شعر گاهی بدل به مصوت «ای» می‌شوند مانند : دنیی آن قدر ندارد که بر او رشک برند . عیسی مریم ، موسی کلیم ، موسیعی با موسیعی در جنگ شد . در این صورت باید با «دی» نوشته شوند .

۲ - کلماتی مانند اسماعیل ، رحمان ، اسحاق ، ابراهیم ، هارون بهتر است به همان ترتیب که تلفظ می‌شوند با الف نوشته شوند نه به صورت : اسمعیل ، رحمن ، اسحق ، ابرهیم ، هرون .

یادآوری - نوشتن الفهای مقصور و غیر مقصور به صورت اصل عربی آنها نیز جایز است مانند : اعلی ، اسمعیل ، مبتلی ، تقوی ، فتوی مکرآنهائی که بر خلاف عادت عموم باشد .

نوشتن «ة» عربی در فارسی

۱ - «ة» عربی (تاء مربوطه اگر در فارسی تلفظ گردد به صورت « ت » نوشته می‌شود مانند : رحمت ، زحمت ، نعمت ، مساعدت ، صلوات ، زکات ، مشکات ، حیات ، تورات نه به شکل رحمة ، زحمة ، نعمة ، صلوة ، زکوة ، حیوة ، توریه .

امادر ترکیبات عربی باید به همان صورت اصلی نوشته شود مانند

رحمة الله ونعمة الله .

۲ - این « تاء » در فارسی اگر تلفظ نکرده به صورت « ه » غیر ملفوظ نوشته میشود مانند : وصله ، مباحثه ، مشاعره . در این صورت هنگام گرفتن صفت و مضاف الیه و « ان » جمع و « ای » نسبت و تکره و خطاب و مصدری تابع قواعد هاء غیر ملفوظ فارسی است مانند :

نظارگان ، خاصکان ، جملگی ، خیمگی ، قامگیان ، کم حافظگی ، اداره کشاورزی ، اشاره ای کرد ، حجر کک ، بی علاقگی ، شحکان ، بی سلیقگی ، قابلگی .

نوشتن تنوین

تنوین نصب در کلمات عربی مستعمل در فارسی روی الف نوشته میشود اگر چه کلمه به تاء مربوطه یا همزه پایان یافته باشد مانند : کاملاً ، اتفاقاً ، عجالناً ، حقیقتاً ، جزئاً ، استثنائاً . نوشتن اینها بصورت اصل عربی آن نیز جایز است مانند نسبتاً ، عجالاً ، جزءاً .

نوشتن جمله‌های کامل و گروه‌های عربی

جمله‌های کامل و گروه‌های عربی (ترکیبات ناقص) در فارسی به شیوه همان زبان و بدون تبدیل و تغییر نوشته می‌شوند مانند : رحمه الله ، دام بقاؤه ، غفرالله ، دامت اقباله ، استغفرالله ، علی‌الخصوص ، علی‌التعمین ، بالاخص ، طوعاً او کرهاً .

منابع :

۱ املای فارسی از احمد بهمنیار مقدمه لفتنامه س ۱۵۰ .

پیشنهادی برای یکسان شدن رسم الخط فارسی از مصطفی مقربسی ،

مجله آموزش و پرورش شماره دهم سال سی و سوم .

چند یادآوری درباره شیوه نگارش نوشته دکتر صفا و مصطفی مقربسی

و نگارنده این سطور برای دانشگاه تهران ، خرداد ۱۳۵۰ و رساله‌ای بنام

« نکاتی در باب رسم الخط فارسی » که آقای مینوی بر اساس جزوه یاد شده

با اندک تغییراتی برای دانشکده ادبیات نوشته‌اند ، مهر ۱۳۵۱ .

دستور امروز از نگارنده این سطور چاپ تهران ، صفی‌علیشاه ، ۱۳۴۸

کلمه و مرزهای آن در زبان و خط فارسی از هرمز میلانیان ، مجله

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره ۷۷ ، اسفند ۱۳۵۰ .